

نقد
اقتصاد سیاسی

انتخابات در پاکستان

مایکل رابرتز



ترجمہی احمد سیف

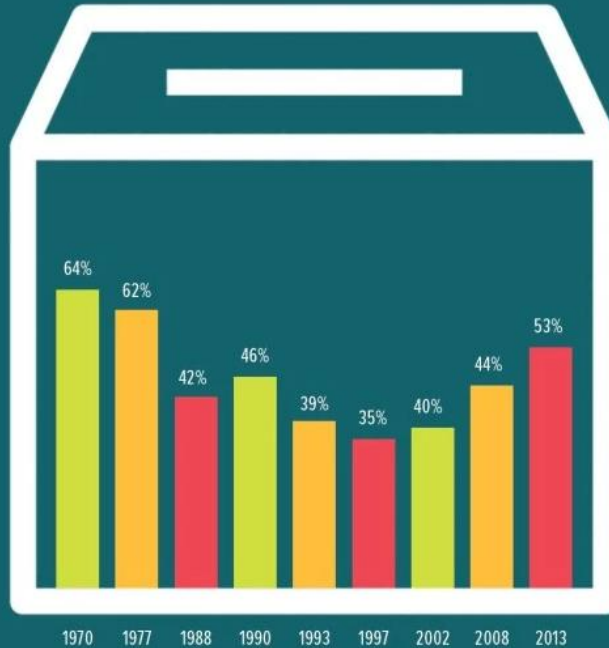
نقد اقتصاد سیاسی

مرداد ماہ ۱۳۹۷

پاکستان ۲۰۰ میلیون نفر جمعیت دارد که ۱۰۵ میلیون نفرشان برای مشارکت در انتخابات اسم‌نویسی کرده اند. به این ترتیب پاکستان به لحاظ اندازه پنجمین دموکراسی بزرگ جهان و پس از اندونزی دومین دموکراسی بزرگ در میان کشورهای اسلامی است.

چه کسی برنده‌ی انتخابات شد؟ به نظر می‌رسد که میزان مشارکت در انتخابات با انتخابات قبلی در ۲۰۱۳ تغییری نکرده است و ۵۳ درصد درانتخابات شرکت کردند. به این ترتیب، حزب «رأی نمی‌دهیم» در انتخابات برنده‌ی اصلی شد. ولی حزبی که به‌تازگی تاسیس شده است در مجلس ملی بیش‌ترین شمار کرسی‌ها را به دست آورده است. حزب عدالت پاکستان که عمران خان - بازیکن پیشین تیم ملی کریکت (ورزشی که میراث حاکمیت استعماری بریتانیاست و مسلمان‌ها و هندوها درشبه قاره هندوستان آن را می‌پرستند) رهبری می‌کند.

درصد مشارکت کنندگان در انتخابات

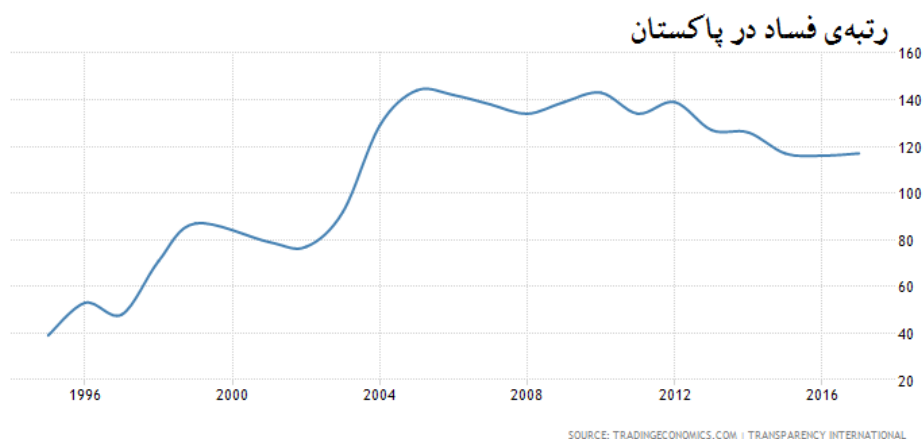


Source: Gilani's Index of Electoral Record, based on ECP data computed by Gallup Pakistan

حزب خان، حزب مسلم لیگ [نواز شریف](#) را شکست داد. نواز شریف پیش از آن که به دلیل فساد مالی در پیوند با [اسناد پاناما](#) محاکمه و محکوم شود نخست‌وزیر پاکستان بود. در محاکمه از نواز شریف سلب صلاحیت شد که مقام دولتی داشته باشد و دادگاهی در پاکستان او را به زندان محکوم کرد ولی نواز شریف در آن موقع در انگلیس زندگی می‌کرد. اندکی پیش از انتخابات به پاکستان بازگشت تا مجازات ۱۰ سال زندان خود را آغاز کند. این «شهادت‌طلبی» آن‌گونه که نواز شریف ارزیابی می‌کرد به این خاطر صورت گرفته بود تا شانس پیروزی حزب مسلم لیگ که رهبری‌اش اکنون در دست برادر اوست بیشتر شود. ولی به نظر می‌رسد این حرکت مخاطره‌آمیز موفق نشده است.

پاکستان یکی از نابرابرترین کشورهای جهان است. ۶۶ درصد از همه‌ی دارایی‌های صنعتی پاکستان در مالکیت ۲۲ خانواده است و میزان مصرف ۲۰ درصد غنی‌ترین بخش جمعیت هم بیش از هفت برابر مصرف ۲۰ درصد فقیرترین بخش جمعیت است. هر دو واژه‌ی «خان» و «شریف» به معنای «حاکم» و «نجیب‌زاده» است. بر اساس [یک بررسی](#) که در ۲۰۱۳ صورت گرفت، ۴۵ درصد از کسانی که در ساختار سیاسی پاکستان صاحب مقام و قدرت هستند از «سلسله‌های» خانوادگی می‌آیند که با سرعت گیج‌کننده‌ای از یک حزب به حزب دیگر می‌پیوندند که جهت‌گیری سیاسی‌شان را آن‌که نظامیان انتخاب کرده‌اند تعیین می‌کند.

خان به این دلیل در انتخابات پیروز شد که برای چند سال متوالی وعده‌ی «مبارزه با فساد» می‌داد که هر دو حزب حاکم در گذشته، مسلم لیگ و حزب مردم (به رهبری خانواده‌ی بوتو) در فساد سرآمد بودند. تبلیغات مقابله با فساد از میان طبقه‌ی متوسط به اندازه کافی رأی‌دهنده جلب کرد. خان هم‌چنین ادعا کرد که در مقایسه با دیگران «سکولارتر» است (با توجه به رابطه‌های شخصی‌اش البته چنین ادعایی تعجب‌آور نیست).



اگرچه بخش عمده‌ی حمایت از حزب عمران خان از جانب طبقات متوسط شهری بوده ولی برای این که بتواند اکثریت را به دست بیاورد او با شماری از احزاب افراطی مذهبی کوچک‌تر هم

ائتلاف کرده است و به همین سبب از مواضع‌اش درباره‌ی «برابری» و مسائل «اجتماعی» عقب نشست. با این همه گفته می‌شود که او اکنون مورد توجه نظامیان قرار گرفته است که مدافع سیاست‌های او در حمایت از طالبان در افغانستان، و وحدت با چین علیه هندوستان هستند. در حال حاضر چین بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در پاکستان است.

خان ادعا می‌کند که می‌خواهد از پلیس «سیاست‌زدایی» کند و در جامعه‌ای که بزهکاری در آن دارد از کنترل خارج می‌شود، حاکمیت «نظم و قانون» را برقرار کند، «بهداشت و آموزش» را بهبود دهد و کاری کند که بیمه‌ی بهداشتی شامل ۷۰ درصد جمعیت بشود. درعین حال خان هیچ همدردی با منافع طبقه‌ی کارگر پاکستان و کشاورزان روستایی نشان نمی‌دهد. او هم‌چنان می‌خواهد سیاست‌های تحمیل‌شده از سوی صندوق بین‌المللی پول را به‌عنوان «راه‌حل شکست‌های دائمی اقتصاد پاکستان» دنبال کند. این البته به این معناست که این اهداف هیچ‌گاه به دست نخواهد آمد. واقعیت این است که اقتصاد در حال فروپاشی پاکستان پس از یک دوره‌ی بسیار کوتاه رونق وارد مرحله‌ی دیگری از رکود و بحران شده است. آخرین گزارش صندوق بین‌المللی پول می‌گوید که رشد اقتصادی پاکستان سالی ۵ تا ۶ درصد بوده است ولی علت این امر در پیش گرفتن سیاست پول ارزان از سوی بانک مرکزی، افزایش هزینه‌های دولتی و افزایش کسری تراز حساب جاری بوده است.

حساب جاری به تولید ناخالص داخلی پاکستان

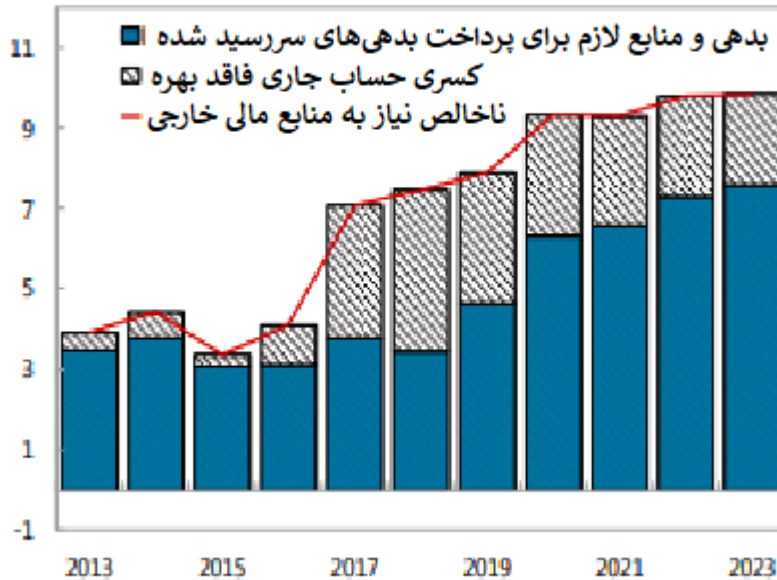


SOURCE: TRADINGECONOMICS.COM | STATE BANK OF PAKISTAN

ذخیره‌ی ارزی پاکستان کاهش یافته و اکنون تنها برای دو یا سه ماه واردات کفایت می‌کند چون مقامات دولتی کوشیدند از واحد پول داخلی حمایت نمایند در حالی که شرایط اقتصادی هر روز بدتر می‌شود. کسری تجاری و بازپرداخت بدهی‌های ارزی نیازهای مالی خارجی را دوبرابر خواهد کرد و موجب کاهش بیش‌تر ذخیره‌ی ارزی خواهد شد. پاکستان به‌زودی نیاز دارد از صندوق بین‌المللی پول برای تأمین این نیازها وام بگیرد که پی‌آمدش دور جدیدی از سیاست‌های «ریاضت اقتصادی» خواهد شد.

ناخالص نیازهای مالی خارجی

نسبت به تولید ناخالص داخلی (درصد)



اگرچه در شاخص توسعه‌ی انسانی از ۲۰۱۰ به این سو شاهد بهبود بوده‌ایم ولی ثبت‌نام جوانان در مراکز آموزش عالی و مراکز مهارت‌آموزی بسیار پایین است. در مورد بهداشت، هم توقف رشد در میان کودکان کم‌تر از پنج سال به شدت بالاست به حدی که رشد ۴۴ درصد از آن‌ها به درجات مختلف متوقف شده است. بخش بزرگی از جمعیت به آب لوله‌کشی و توالی که به سیستم فاضلاب متصل باشد دسترسی ندارند.

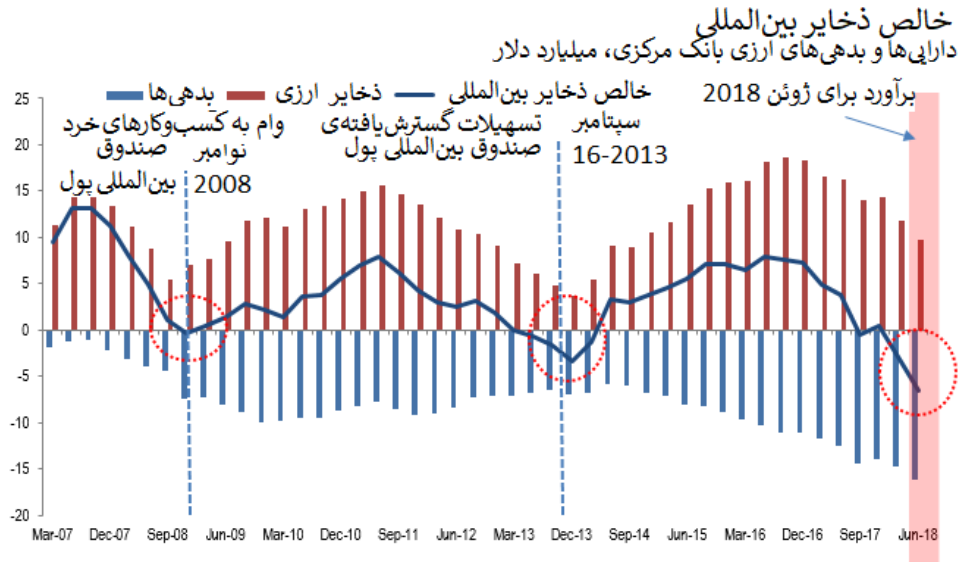
در منابع عمومی هم منابعی که صرف بهبود این حوزه‌ها بشود بسیار ناچیز است چون ثروتمندان یا اصلاً مالیات نمی‌دهند یا مالیات بسیار ناچیزی می‌پردازند. کم‌تر از یک درصد از جمعیت کارکن کشور اظهارنامه‌های مالیاتی‌شان را تکمیل می‌کنند. در ۲۰۱۶ کم‌تر از نصف ۷۲ هزار شرکت ثبت‌شده اظهارنامه‌ی مالیاتی‌شان را تکمیل کرده‌اند. و از میان آن‌ها که این اظهارنامه‌ها را پر کرده‌اند نصف‌شان هیچ مالیاتی نمی‌پردازند. پاکستان می‌کوشد میزان مالیات

جمع‌آوری شده را تا ۲۰۲۰ به ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی برساند. ولی نرخ رشد مالیات مستقیم بسیار کند است و میزان مالیات شرکت‌ها دائماً کم‌تر می‌شود. بخش عمده‌ای از مالیات‌ها مالیات‌های غیرمستقیم است که بر مصرف وضع می‌شود که فشار عمده‌اش بر روی فقراست.

سرمایه‌گذاری به وسیله‌ی بخش سرمایه‌داری اقتصاد تنها ۱۱ درصد تولید ناخالص داخلی است و روند نزولی دارد و بخش دولتی هم سرمایه‌گذاری‌اش چهار درصد است. در مقام مقایسه، در چین میزانش ۴۵ درصد تولید ناخالص داخلی و یا در دیگر کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته هم بیش از ۲۰ درصد است. بخش عمده‌ای از درآمدی که نصیب ثروتمندان می‌شود در بخش مسکن و یا دارایی‌های مالی به کار می‌افتد که بخش غالب‌اش هم از کشور خارج می‌شود.

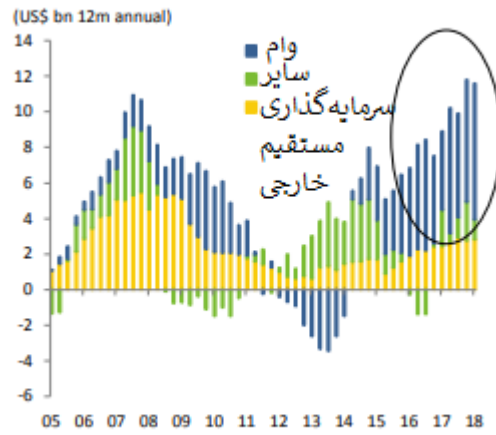
صادرات پاکستان تنها ۷,۵ درصد تولید ناخالص داخلی است و این تقریباً ۱۷ درصد از متوسط صادرات کشورهای با درآمد متوسط کمتر است. آن‌چه از پاکستان صادر می‌شود کالاهای با ارزش پایین، یعنی پنبه و برنج است. پاکستان در فهرستی که درباره‌ی رقابت‌پذیری جهانی در ۲۰۱۸-۲۰۱۷ منتشر شد در میان ۱۳۷ کشور در مرتبه‌ی ۱۱۵ قرار دارد. در نتیجه پاکستان در شرایطی قرار دارد که درآمدهای ارزی و منابع خارجی‌اش دائماً روند نزولی دارد که باعث می‌شود در برابر شوک‌های بیرونی شکننده‌تر باشد.

حالا که با حمایت نظامیان پشت صحنه، عمران خان آماده می‌شود که به ریاست برسد پاکستان با یک بحران دیگر تراز پرداخت‌ها روبه‌رو خواهد شد. حالا که ذخایر ارزی دارد تمام می‌شود، روند کاهش ارزش روپیه‌ی پاکستان هم آغاز شده است.



اگر سرمایه‌گذاری‌های چین نباشد، تا همین جا هم بحران اقتصاد پاکستان را دربر می‌گرفت. این کریدور اقتصادی پاکستان - چین دربرگیرنده‌ی چند پروژه‌ی تجاری و امکانات زیرساختی است که کل ارزش آن‌ها ۶۳ میلیارد دلار برآورد می‌شود. این بخش اساسی از پروژه‌ی یک تریلیون دلاری چین درباره برنامه کمربند و جاده (Belt and Road Initiative) است. امکانات بنادر غیر مطلوب، تا جاده‌ها و ایستگاه‌های تولید انرژی غیر کارآمد، این برنامه‌ی مشترک چین و پاکستان می‌کوشد بسیاری از تنگناهایی که باعث محدودیت تولید صنعتی شده است را رفع نماید. جریان وام‌دهی با پاکستان از ۲۰۱۵ شدت گرفته است.

تأمین مالی حساب سرمایه



Source: CEIC

همه‌ی این‌ها معنایش این‌ست که اگر چینی‌ها «حسن نیت» نشان ندهند، طبقه‌ی حاکم پاکستان

ناگزیر است وام‌ستانی از صندوق بین‌المللی پول را انتخاب کند.

عمران خان، حالا دیگر نوبت توست.

منبع اصلی:

Michael Roberts, Pakistan: [it's not cricket](#)